

دکتر هادی عالمزاده

عضو هیأت علمی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

اعظم ریاحی

کارشناس ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران

## آموزش در نظامیه بغداد و ربع رشیدی

چکیده

۲۱ - ۵

نظامیه بغداد در دوره‌ی سلیمانی و ربع رشیدی تبریز در دوره‌ی ایلخانان،  
دو مرکز علمی اسلامی بودند که در دو موقع متفاوت تاریخی و توسط دو تن از  
بزرگ‌ترین وزرای اسلامی تأسیس شدند. بررسی وجود اشتراک و اختلاف این دو  
مرکز که در این نوشتار بدان پرداخته شده است می‌تواند ضمن فراهم آورده  
شناختی دقیق‌تر از ماهیت نظام آموزشی و اداری هر یک از این دو مدرسه،  
تبیین روش از زمینه‌های تحول و پویایی نظام آموزشی و اداری هر یک از این  
دو مدرسه، تبیین روش از زمینه‌های تحول و پویایی نظام آموزش تمدن اسلامی  
به دست دهد و چگونگی آن تحولات را با توجه به بستر زمانی هر یک از آنها  
در دوره‌ی پیش و پس از هجوم مغولان و برچیله شدن مرکز خلافت اسلامی به  
دست ایشان آشکار سازد.

## وازگان کلیدی

آموزش و پرورش تطبیقی، مدارس اسلامی، نظامیه بغداد، ربع رشیدی.

## مقدمه

تغییر در ساختار قدرت پس از تهاجم مغولان به قلمرو اسلامی و حذف منصب خلافت و به تبع آن تضعیف مقطوعی نهاد دینی وابسته به خلافت، تغییرات عمدہای در سایر نهادها همچون نهاد تعلیم و تربیت رسمی و عملکرد آموزشی آن که تا پیش از این تحت ناظارت نهاد قدرت قرار داشت، ایجاد کرد. این نوشتار، بر آن است تا با بررسی تطبیقی عملکرد آموزشی نظامیه‌ی بغداد و ربع رشیدی وجوه مشابه و متفاوت نظام آموزشی و تشکیلاتی آنها را به عنوان دو نهاد علمی و آموزشی متعلق به دو دوره‌ی پیش و پس از تهاجم مغولان، طرح و بسط کند.

### الف- امور آموزشی

در این بخش مولفه‌های مهم مقاطع و بخش‌های تحصیلی، استادان، طلاب، مواد درسی، اهداف انتخاب مواد درسی، شیوه‌ی تدریس و امکانات آموزشی به طور جداگانه و به عنوان عناصر سازنده دو مرکز تعلیم و تربیتی مورد نظر توصیف و بررسی مقایسه‌ای می‌شوند تا وجود افتراء و اشتراک آنها از این منظر بررسی و تبیین گردد.

#### مقاطع و بخش‌های تحصیلی نظامیه‌ی بغداد

نظامیه‌ی بغداد یکی از پر آوازه‌ترین و مهم‌ترین نظامیه‌ها یعنی مجموعه‌ای از مدارس که توسط خواجه حسن نظام الملک توسي (Brill. E.J.: Encyclopedia of Islam, 8: p.69 Lieden: 1995, voll) در شهرهای بزرگ و مهم عهد سلجوقی تاسیس شده بود به شمار می‌رود. این نظامیه همچون دیگر نظامیه‌ها، صرفاً مدرسه‌ای برای تحصیلات عالی علوم دینی و در حکم یکی از عالی‌ترین مراکز علمی اسلامی زمان خود بود. طلاب نظامیه‌ها پیش از آغاز تحصیل در آن، مقدمات علوم را در مراحل ابتدایی فرا می‌گرفتند و سپس در نظامیه، تحصیلات عالی را ادامه می‌دادند؛ چنانچه برای نمونه قاضیابوالمحاسن معروف به این شداد از جمله شاگردان نظامیه بود که پس از آموختن مبانی فقه، اصول و قرآن به حضور در نظامیه بغداد و تکمیل تحصیلاتش نائل آمد. (کسانی، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۸، ص ۱۸۳)

## ربع رشیدی

این مرکز آموزشی در اصل مجموعه‌ای از مراکز آموزشی بود، که آموزش ابتدایی و عالی را برای طلاب هر دو سطح میسر می‌ساخت؛ در دارالحفظ و بیت التعلیم، کودکان یتیم و فرزندان کارکنان ربع تحت تعلیم آموزش ابتدایی که منحصر به آموزش قرآن بود قرار می‌گرفتند. (همدانی، خواجه رشید الدین فضل الله، وقفات‌نامه ربع رشیدی، ۱۳۵). در مساجد زمستانه و تابستانه آموزش علوم دینی در سطح عالی برای طلاب آن صورت می‌گرفت. هم چنین آموزش نظری و عملی برای طلاب علم طلب در دارالشفا در "رواق المرتبین" برپا بود. (رک، همو، ۱۲۸، ۱۴۵)

## استادان نظامیه بغداد

افرادی با عنوان شیخ، معید و واعظ هر یک به نوعی در امر تدریس در نظامیه‌ها دخیل بودند. شیخ یکی از دانشمندان بنام عصر در هر رشته‌ی تحصیلی بود. شیوخ نظامیه از سرآمدان عهد خویش در علوم دینی بودند، چنانکه از ایشان می‌توان به مشاهیر بزرگی چون امام ابو اسحاق شیرازی صاحب کتاب «تبیه» و همچنین حجت‌الاسلام غزالی توسعی اشاره کرد. (ابن خلکان، وفیات‌الاعیان و انباء ابناء‌الزمان، ۲۱۷/۴) احراز مقام مدرسی در نظامیه‌ها به ویژه در بغداد منوط به صدور فرمان از جانب متولیان، سلطان و خلیفه بود. (ابن جوزی، ۱۴۲/۱۰). که احتمالاً با در نظر گرفتن وابستگی‌ها و گرایش‌های سیاسی – مذهبی و توان علمی افراد صادر می‌شد. نظام الملک خود تا زمانی که در قید حیات بود، در عزل و نصب مدرسان دخالت مستقیم داشت. چنانکه ابوحامد غزالی را پس از درگذشت ابوالمعالی جوینی، مدرس نظامیه بغداد، از میان شاگردان جوینی برکشید و در مناظره‌ای با برخی عالمان بیازمود و سپس بر این مقام نهاد (ابن خلکان، همان، کسانی، ۱۳۹) معید یکی از باهوشترین طلاب بود که وظیفه تکرار سخنان استاد را با صدای بلند برعده داشت. واعظ دانشمندی بود که از خارج مدرسه برای برگزاری مجلس وعظ دعوت می‌شد، یا در برخی موارد استادان برای طلاب مجلس وعظ ترتیب می‌دادند.

(کاپوری، عبدالرزاق، زندگانی خواجه بزرگ حسن نظام‌الملک، ۱۴۳)

مدرسان علاوه بر برخورداری از عالی‌ترین مدارج علمی بایستی افرای پاکدامن و زاهد و مورد اعتماد و مورد احترام عامه مردم و ارباب دولت باشند. بیشتر استادان نظامیه به درجه‌ای از زهد و پارسایی رسیده بودند که با وجود برخورداری از مواهب مادی و معنوی و حمایت بی‌دریغ ارکان دولت، در نهایت سادگی زندگی می‌کردند.  
(کسایی، نورالله، مدارس نظامیه، ۱۲۶)

به گزارش ابن جوزی<sup>۱</sup> در وقف نامه مدرسه نظامیه بغداد، نظام الملک پیروزی از مذهب شافعی را شرطی لازم برای مدرس آنجا قرار داده بود. این امر مبین سیاست نظام الملک برای ایجاد وحدت مذهبی و تقویت مذهب شافعی است که گاه سبب می‌شد تا فردی برای رسیدن به مقام استادی و مدرسي مدارس نظامیه به مذهب شافعی روی آورد، چنانچه احمد بن علی بن برهان ابتدا مذهب حنبلی داشت ولی برای تدریس در نظامیه به مذهب شافعی گروید. (کسایی، ۱۲۷) البته افزون بر این شرط، خواجه خود در احوال دانشمندان جستجو می‌کرد و از دانش و سوابق هر یک می‌پرسید و برای جایگاه علمی افراد در این زمینه ارزشی بسزا قابل بود و ضمن در نظر گرفتن مذهب از این موضوع نیز غافل نبود همواره سعی داشت تا برجسته‌ترین افراد را برای تدریس در نظامیه برگزیند و در این راه جهد بسیار نمود. برای مثال هنگامی که شیخ ابو اسحق شیرازی از تدریس در نظامیه بغداد به ظن غصبی بودن آن امتناع کرد نظام الملک بر عمید ابن ابی سعید (نایب خواجه در ساخت نظامیه) پرخاش کرد و با اصرار زیاد رضایت ایوان‌ساحق را برای تدریس در نظامیه جلب کرد. (ابن اثیر، الکافی التاریخ، ۱۶)

۱- ابن جوزی شروط را به نقل از وقف نامه این گونه روایت می‌کند:

"... وفى كتاب شرطها انها وقف على اصحاب الشافعى اصلا و فرعا و كذلك الاملاك الموقوفة عليهما شرط فيها ان يكون على اصحاب الشافعى اصلا و فرعا و كذلك شرط المدرس الذى يكون بها والواعظ الذى يعظ بها و متولى الكتب و شرط فيها مقرى القرآن و نحوى يدرس العربية وفرض لكل قسطا من الوقف و كان يطلق ببنداد كل سنة من الصلات ماتى كر و ثمانية عشر الف دينار" ابن جوزي، المنتظم في تاريخ الملوك والامم، ۹۶۶.

## استادان ربع رشیدی

در امر آموزش مدرسه عالی دو مدرس، یکی معید و یک مرتب فعال بودند. از مدرسان یکی به تفسی رو حدیث و دیگری به سایر علوم می‌پرداخت. معید نیز دروس را برای ده متعلم تکرار می‌کرد. (همدانی، رشید الدین فضل الله، وفتنه، ۱۳۰)

شرایط لازم برای پذیرش مدرسان در ربع فضل، علم به اصول دین، نیک سیرتی، علم به علوم عقلی و حساب و داشتن ذوق بود (همو، ۱۴۴) مدرسان توسط متولی انتخاب می‌شدند. در مورد مذهب آنان خواجه می‌نویسد: «چون اغلب مدرسان و متعلمان تبریز بر مذهب حق ائمه امام و فقهای اسلامی انتی عشریه علیهم الصلوه و السلام بوده‌اند لاجرم شرط رفتن که تمامت مدرسان و محصلان مذکور از اهل این مذهب باشند...» (همو، ۱۳۰) «و چون اهل تبریز شافعی مذهب‌اند باید که او [مدرس]، نیز معید و فقهای شافعی مذهب باشند...» (همو، ۱۷۷)

”دارالشفا“ یا بیمارستان آموزشی، یکی دیگر از بخش‌های آموزش عالی در ربع برای آموزش عملی و تئوری به دانشجویان بود. مدرسان این بخش شامل طبیب و معید بودند. طبیبان علاوه بر آموزش وظیفه‌ی مداوای بیماران و کارمندان را نیز بر عهده داشتند. در کنار هر طبیب یک معید حضور داشت که در واقع دستیار طبیب به شمار می‌آمد و درس طب را نیز برای دانشجویان تکرار می‌کرد. خادم نیز مانند پرستار وظیفه‌ی مراقبت از بیماران را بر عهده داشت. علاوه بر طبیب، کحال و جراح نیز در دارالشفا برای تعدادی از شاگردان تدریس می‌کردند. از آنجا که خواجه خود طبیب بود به این بخش بسیار توجه داشت و بر آن بود تا وسایل مورد نیاز طبیبان را از اقصی نقاط کشور فراهم آورد. گویا شرط مذهب برقرار در مدرسه عالی علوم دینی در این بخش جاری نبود چرا که خواجه در مکتوب پنجاه و یک خود از پنجاه طبیب هندی، چینی، مصری و شامی یاد می‌کند که هر کدام آموزش ده دانشجو را بر عهده داشتند. (همو، مکاتب رشیدی، ۳۱۹) این طبیبان از نواحی، اقوام و ادیان متفاوت بودند این امر نشان می‌دهد که شرط داشتن مذهب شافعی به معنای جلوگیری از حضور عالمان سایر مذاهب یا ادیان در ربع نبود، چرا که ضرورت الزام می‌کرد و امکان آن وجود داشت، علم بر تعصب دینی ترجیح داده می‌شد.

در بیت التعلیم و دارالحفظ که در روضه قرار داشتند، دو کودک یتیم و نیز فرزندان خردسال کارکنان ربع به فراغیری قرآن مشغول بودند. در این بخش افزون بر توجه به جنبه‌ی آموزشی به جوانب تربیتی نیز توجه می‌شد و به قول نظام الملک، اتابک که سپریست آنها بود "همه روزه ایشان را پیش معلم می‌آورد و آنجا می‌نشینند تا قرآن می‌آموزند و باز ایشان را به خانه برد و نگذارد که بی‌ادبی کند." (همو، وقفا، ۱۳۵ و ۱۹۰)

### دانشجویان نظامیه‌ی بغداد

نهضت مدرسه‌سازی خواجه نظام الملک شور و نشاطی را در میان طالبان علم برانگیخت که مشتاقان علم و دانش را از اقصی نقاط قلمرو اسلامی به مدارس نظامیه کشاند. به گونه‌ای که: «در وزارت خواجه نظام الملک .... پدران در تهذیب و تربیت فرزندان کوشش می‌کردند.... زیرا نظام الملک در هر کس بهر مقدار دانش و خرد می‌دید به همان نسبت به وی مقام می‌داد....» (بنداری، اصفهانی، تاریخ سلسله سلجوقی، ۶۵) از این رو برای انتخاب دانشجویان نیز به مانند استادان شرایط خاصی لحاظ می‌شد و اعتقاد به فقه شافعی شرط اساسی بود. در مدارس نظامیه با تراز علمی بی‌نظیر، افرادی برای تحصیل برگزیده می‌شدند که پیش از حضور در این مدارس در حدود علوم زمان، دوره‌های آموزشی ابتدایی را با موفقیت گذرانده باشند. (کسايی، مدارس نظامیه، ۱۸۲)

طلب پس از اتمام تحصیل، برای تصدی سمتی در دیوان یا دستگاه حکومتی انتخاب می‌شدند. هر چند این امر، سبب می‌شد که مدارس نظامیه از صورت یک مرکز علمی به پلکان ترقی جویندگان مقام تنزل یابد و برخی تنها برای دستیابی به مشاغل دیوانی و حکومتی بدین مدارس راهیابند، ولی حمایت‌های اجتماعی مدارس نظامیه از دانش آموختگان خود باعث می‌شد که دانشجویان با فراغ خاطر به تحصیل علوم پردازند. کسائی در این مورد به نقل از طبقات سبکی می‌نویسد: "هنوز دیرگاهی از تأسیس نظامیه بغداد نگذشته بود که استاد مشهور آن ابواسحاق شیرازی گفت: از عراق تا خراسان... گذشتم، پیشوا یا مدرس یا قاضی یا واعظ آنجا را شاگرد و یا یکی از اصحاب خود یافتم" (کسايی، ۱۸۵) تحصیل در مدارس نظامیه محدودیت زمانی نداشت و پایان

تحصیلات طلاب به استعداد آنان بستگی داشت، طلاب با کسب اجازه از استاد و با دریافت گواهی از او به تحصیلات خود در نظامیه پایان می‌دادند. (همو، ۱۸۲)

### دانشجویان ربع رشیدی

وضعیت دانشجویان در ربع تابع ضوابطی بود. شاگردان مدرسه عالی در بخش تفسیر و حدیث دو نفر و در سایر علوم ده نفر بودند، که این تعداد در سالیان بعد به پنج نفر در قسمت حدیث و بیست تن در سایر علوم افزایش یافت. در «وقفنامه» تعداد دانشجویان طب دو نفر ذکر شده است که زیر نظر طبیب آموزش می‌دیدند و بعدها تعدادشان به ده نفر افزایش یافتند. (همدانی، وقفنامه، ۱۴۵) آنها به کارآموزی زیر نظر طبیبی حاذق می‌پرداختند و پس از اتمام تحصیل مختار بودند تا با صلاحیت متوالی و استاد به عنوان طبیب در ربع مشغول به کار شوند و یا ربع را ترک کنند (همو، ۱۴۶). متوالی پس از سنجش هوش و استعداد تمامی داوطلبان آنان را به مدرسان می‌سپرد. طول مدت تحصیل به عکس مدارس نظامیه که محدودیتی نداشت، به طور ثابت پنج سال بود؛ آن چه در تحصیل افراد مهم تلقی می‌شد، جلوگیری از تبلی و کاهله و تاکید بر تلاش بود، از این رو شاگردان اجازه نداشتند در طول مدت تحصیل تأهل اختیار کنند و در صورت تبلی و تخلف اخراج می‌شدند. (همو، ۱۳۲)

### مواد درسی مدارس نظامیه

در مدارس نظامیه توجه خاصی به علوم دینی می‌شد، در قسمتی از «وقف نامه» مدارس نظامیه، هدف از تأسیس این مدارس، تدریس و آموزش اصول و فروع فقه شافعی و هم چنین قرآن و نحو عربی ذکر شده است. اما افزایش تعداد دانشجویان و وجود استادان مجبوب، گسترش دامنه تدریس علوم در نظامیه‌ها را موجب شد، در نتیجه سایر مواد درسی مانند حدیث، کلام، ادب در حد یادگیری بلاغت عربی، صرف و نحو، لغت و معانی و بیان و بدیع نیز به تدریج به فصول درسی افزوده شدند. (ابن جوزی، المنتظم، ۶۶)

## مواد درسی ربع رشیدی

محتوای مواد درسی در ربع صرفاً دینی نبود؛ اما شاگردان مدرسه عالی علوم دینی علاوه بر تحصیل مواد درسی از پیش موظف به فراگیری و استنساخ از سه اثر خواجه – مجموعه رشیدیه *أمجمل رشیدی*، *بيان الحقائق و آثار و أحياء* – بودند. شرط رونویسی برای فقیهان نیز جاری بود. مدرسان سایر علوم نیز باید در تدریس و مطالعه این مصنفات سعی لازم را مبذول می‌داشتند. مدرس، نسخه عربی و معید، نسخه فارسی کتاب‌ها را مجموعاً به ده تن از متعلممان املا می‌کردند؛ این نوشته‌ها در مالکیت شاگردان قرار می‌گرفت. اگر فقیهی از نسخه برداری سر باز می‌زد، او را اخراج و فرد دیگری را به کار می‌گماشتند. (همدانی، وقفname ۱۷۳)

مدارک مستقیم درباره‌ی تدریس طب در نظامیه بعداد یا سایر مدارس نظامیه‌ها وجود ندارد. (کسايی ۱۳۷) در صورتی که در ربع رشیدی طب به سان سایر علوم تدریس می‌شد، این تفاوت از تجا ناشی می‌شود که نظامیه‌ها صرف‌آمدادرسی دینی و مرکز آموزشی تفکر شافعی بودند و نه مجتمع علمی – آموزشی به مانند ربع رشیدی که علوم دینی در کنار سایر علوم تدریس می‌شدند.

## فلسفه و نظامیه

فلسفه و سایر علوم عقلی در مدارس نظامیه تدریس نمی‌شد. به رغم آن که در دوره نخست خلافت عباسی به علوم عقلی چون فلسفه توجه بسیاری می‌شد و مراکز مانند بیت‌الحکمه در آموزش و گسترش این علوم می‌کوشیدند.<sup>۱</sup> ولی در مدارس نظامیه از

۱- تدریس فلسفه در جهان اسلام تحت تاثیر دو مکتب عمده قرار داشت. مکتب قیاسی و استدلایلی مشابی، که تا قرن ششم توانست برتری خویش را با وجود مخالفت‌های بسیار حفظ کند. اما در این قرن با ظهور مکتب اشراق که بر شهود ذهنی متکی بود، رفته رفته مکتب مشابی از عناصر متشرع و عارف جدا ماند و با ردیهای که غزالی بر فلسفه ایشان نوشت، تاثیر خود را در جهان اسلام از دست داد، اما مکتب اشراق نیز دیر زمانی دوام نیاورد و در حالی که فلسفه در جهان غرب روندی رو به رشد داشت، در جهان اسلام و در میان مکاتب اهل سنت سیر قهقهایی طی می‌کرد. با این وجود هویت فلسفه، به عنوان شاخه‌ای از علم در مجتمع علمی اهل سنت حفظ شد و پایه پایی عرفان پیش رفت. ولی در جهان تشیع، در قرون‌های متوالی، هر دو مکتب فلسفی در مدارس تدریس می‌شد. (نصر، سید حسین، علم و تمدن در اسلام، ۳۲)

تدریس استادانی چون خیام، امام فخر رازی و جرجانی که سرآمد مشاهیر فلسفه و ریاضی این دوره بودند، خبری نیست. جریان ضد فلسفه موجود در مدارس نظامیه از زمانه خود متاثر بود، در این دوره تلاش‌های بسیاری در جهت مبارزه با افکار فلسفی صورت می‌گرفت، از جمله امام محمد غزالی که کتاب «تهافت الفلاسفه» را در رد عقاید فلسفه مشابی به نگارش درآورد و هم چنین ابن غیلان که در رسال «حدوث العالم» به عقاید ابن سینا تاخت. جالب آن که این دو تن از جمله مدرسان نظامیه‌ها بودند.

### فلسفه و ربع رشیدی

رشید الدین نیز جستجو پیرامون مباحث فلسفی را برای مدرسان و معیدان ممنوع کرده بود و اگر فردی در این باب کنکاش می‌نمود، به کارش نمی‌گرفتند. (همدانی، وقนามه، ۱۷۳) با این وجود رجوع به کتب فلسفی در کتابخانه‌ی ربع ممنوع نبود. ربع رشیدی در سال‌های زوال فلسفه در شرق جهان اسلام، تأسیس شد و با دید بدینانه‌ای که نسبت به این علم در جامعه علمی آن زمان وجود داشت، ممنوعیت تدریس فلسفه از سوی خواجه در ربع رشیدی چندان عجیب نمی‌نماید.

علاوه بر این، از مندرجات وقف نامه بر می‌آید که مجموعه مصنفات رشید الدین هر ساله در دارالصحابف ربع رشیدی نسخه برداری می‌شد، نسخه‌ای از آنها در کتابخانه نگهداری و نسخه‌های دیگر به کتابخانه‌های بلاد اسلامی فرستاده می‌شد. (همو، ۲۳۷) هم چنین هر ساله درالصحابف ربع به کار نسخه برداری از قرآن مجید در سی مجلد و کتاب «جامع الاصول فی احادیث الرسول»<sup>۱</sup> در چهار مجلد می‌پرداخت و متولی این نسخه را طی مراسمی وقف مساجد جامع شهرهای بزرگ اسلامی می‌کرد. آن گونه که از

۱- "جامع الاصول من احادیث الرسول"، کتابی در حدیث از ابوالسعادات مجdal الدین مبارک بن محمد بن محمد شباني موصلی، معروف به ابن اثیر (۵۴۶-۶۰۶)، محدث، رجالی، مفسر و فقیه شافعی. نام این کتاب در منابع به صورتهای جامع الاصول فی احادیث الرسول و جامع الاصول لاحادیث الرسول نیز آمده است. این کتاب بر اساس کتاب التجرب للصلاح السنة نوشته رزین بن معاویه (متوفی ۵۳۵) تألیف شد است. رزین پیش از ابن اثیر به تنظیم و تبویب روایتهای صحیح مسلم و بخاری، الموطنا مالک، سنن ابوداود، نسائی و ترمذی پرداخته بود ولی کار او کاستی‌ها و ضعف‌هایی داشت که ابن اثیر برخی از آنها را ذکر کرده است. دانشنامه جهان اسلام، ذیل واژه‌ی جامع الاصول فی احادیث الرسول.

محتوای این کتب برمی‌آید، بیشتر در بردارنده مباحث کلامی، فلسفی و حکمی هستند و خواجه در غالب آنها تفسیر خود را از آیات قرآن و احادیث نبوی تشریح می‌نماید که می‌تواند بازتاب دیدگاه‌های اهل سنت در درجه‌ی اول و فقه شافعی در وحله دوم و اتصال به زنجیره نظریه پردازان اهل سنت چون ماوردی، غزالی و خواجه نظام الملک باشد که با تهاجم مغول و حذف منصب خلافت که نماد این زنجیره بود دچار گستاخ شده بود. چرا که خواجه در متن وقف نامه به صراحة می‌آورد: "شرط دوم آنست که ... متولی این اوقاف این دو نسخه را به شهری فرستد از شهرهای اسلام و ابتدا به عظیم‌ترین شهرها کند..... تا وقف باشد بر اهالی آن شهر و در جامع آن شهر بنهند و به وقت احتیاج بدان انتفاع گیرند." (همدانی، وقف نامه، ۱۳۴)

### اهداف انتخاب موارد درسی در نظامیه

برپایی مدارس نظامیه که از موضع سلاطین سلجوقی نسبت به خلفای عباسی و وضعیت مذهبی آن عصر تأثیر می‌پذیرفت می‌تواند تبیین مناسبی بر چرایی نوع موارد درسی در نظامیه‌ها باشد. یکی از کارکردهای خلافت در دوره مورد بحث، اعطای مشروعيت سیاسی به حکومت‌های مستقل بود، دولت سلجوقی هر چند برخوردار از قدرت نظامی قبایل صحراگرد ترکمان بود ولی به کسب مشروعيت سیاسی و دینی احتیاج داشت و در ابتدای پیدایش سلجوقیان، خلفای عباسی طی تعاملی دو جانبی در مقابل حمایت سلجوقیان از دستگاه خلافت در برابر آل بویه و بساسیری، مشروعيت آنان را تأیید کردند. (راوندی، راحه الصدور، ۱۷، این اثیر ۲۳۰-۱۶۹۴) جاه طلبی سلجوقیان که تنها به قدرت مادی در قلمرو عباسی بستنده نمی‌کردند و خواهان تسلط همzman در امور معنوی و مادی بودند باعث شد تا تعامل شتابزده‌ای که میان خلیفه سلطان شکل گرفته بود، به برتری جویی سلجوقیان از طرق مختلف بیانجامد. ایجاد مدارسی که دولتیان اداره آنها را بر عهده داشتند، یکی از طرق این برتری جویی بود، که در پناه استقرار آرامش و وحدت قلمرو ناشی از تعامل مثبت نهاد خلافت و سلطنت داهیانه سلجوقیان پس از دوره‌ای پر آشوب به سرعت رو به فزونی نهاد و بغداد نیز عظمت از دست رفته و شهرت

علمی و سیاسی خود را بازیافت و اهداف سیاسی و مذهبی سلجوقیان را نیز تأمین می‌کرد.

**اهداف مذهبی:** خواجه در تأسیس مدارس نظامیه بر دو اصل جلوگیری از روند تضعیف مذهب تسنن به ویژه فقه شافعی و ایجاد وحدت مذهبی استوار بود و خواجه در نظر داشت با پرورش عالمان و مبلغان اهل سنت و نیز تقویت علوم مذهبی با تأکید بر فقه شافعی به این دو مهم دست یابد. این اهداف با فضای سیاسی - تاریخی عصر خواجه نظام الملک و الزامات آن انطبق کامل دارد. یکی از ویژگی‌های اواخر دولت آل بویه اختلاف آراء و عقاید مذهبی بین محله‌های مختلف اسلامی بود، تا آن جا که این اختلافات چندین بار منجر به تخریب و آتش سوزی در بغداد شد. (ابن اثیر، ۸-۲۲۷) نیز قدرت گیری سلجوقیان با نفوذ حکومت‌های شیعی و گسترش دامنه تبلیغات داعیان اسماعیلی همزمان بود. اقدامات فاطمیان مصر در بیشتر تبلیغات داعیانو فعالیت‌های جامع الازهر قاهره برای گسترش تشیع، خلافت عباسی و مذهب تسنن را با خطری جدی روپرور کرده بود. از این رو حمایت از مذهب تسنن، تأکید بر مذهب خاص و دستیابی به وحدت مذهبی در قالب آموزش رسمی را الزامی می‌نمود. گفتار شیوه ای خواجه در فصل ۴۱ "سیر الملوك" گویای این مطلب است: "در روزگار محمود و مسعود و طغل و الپ الرسلان... هیچ گبری و جهوری و راضیی را زهره نبودی که بصرحا آمدی... و کخدایان ترکان همه متصرف پیشگان و دیبران خراسان بودند یا حنفی بودند یا شافعی پاکیزه، و دیبران و عاملان بد مذهب عراق را بخود راه ندادندی.... گفتندی «اینها هم مذهب دیلمان‌اند و هواخواه ایشان چون پای سخت کنند کار ترکان بزیان آرند... دشمن همان بهتر که در میان ما نباشد» .... و اکنون کار بجایی رسیده است که درگاه و دیوان از ایشان پر شده است.... و در تدبیر آنند که اندک خراسانی را بدین در و درگاه نگذارند که بگذرد...." (خواجه نظام الملک، سیر الملوك، ۲۰۳) از این رو خواجه با تأسیس مدارس نظامیه در صدد بود دیبران و عاملان حکومتی را مطابق با خواست حکومت و بر اساس عقاید مقبول نهاد قدرت تربیت کند تا پس از اشتغال به کار و تدریس، مبلغ دیدگاه‌های آنها باشند.

از سوی دیگر اقدامات و تصبیات وزیر پیشین، عمید الملک کندری که مذهب حنفی داشت و نیز حمایت خلفای عباسی و سلاطین سلجوقی از آن مذهب، مذهب شافعی را

در موضع ضعف و انفال قرار داده بود و این امر بر خواجہ نظام الملک، که شافعی مذهب معتقد‌بود، گران می‌آمد.

خواجہ با صراحة در فصل بیست و یک سیرالملوک می‌نویسد: «در همه جهان دو مذهب‌بند که نیک است و بر طبق راست‌اند، یکی حنف یو در گر شافعی رحمه الله علیهم و دیگر همه هوا و بدعت است...» (همو، ۱۲۲) اصرار خواجہ در تساوی این دو مذهب تا بدان جا بود که حتی از تقدم نام ابوحنفیه بر امام شافعی بر سر در مسجدی در اصفهان ممانعت به عمل آورد. (نخجوانی، تجارب السلف، ۲۷۷) هم چنین اعتقاد راسخ به فقه شافعی خواجہ نظام الملک سبب شد تا مقرر کند که پیروی از فقه شافعی یکی از ظروط تدریس و تحصیل در مدارس نظامیه باشد. مجالس پر شور وعظ و حضور واعظان بزرگ شافعی در نظامیه نمادی دیگر از توجه خاص خواجہ جهت بسط و ترویج دیدگاه‌های فقه شافعی است. وی با توجه به اهمیت وعظ در قرن پنجم و ششم و تاثیر آن بر افکار عمومی تعیین واعظ شافعی را یکی از شروط اساسی وقف نامه قرار داد و همچون مدرسان و سایر کارکنان و دانشجویان، شافعی بودن شرط اساسی انتخاب واعظ شد. (این جزوی، ۶۶)

پیش تر اشاره شد یکی از دغدغه‌های خواجہ نظام الملک اشباع دیوان و دربار توسط «عاملان بد مذهب عراقی» وابسته به دستگاه آل بویه بود، از این رو ایجاد مدارسی با شیوه‌ی آموزشی منطبق با اهداف سلطنت سلجوقیان که تربیت دانش آموختگانی که بعدها به عنوان مبلغ و مجری نیازها و اهداف سلطنت به کارهای دیوانی و حکومتی گمارده شوند، می‌توان یکی از راهکارهای خواجہ جهت رفع این دغدغه دانست.

### ربع رشیدی و اهداف تعیین دروس

دروس ربع نیز رابطه متناظری با شرایط سیاسی - مذهبی زمانه رشید الدین داشت. سلاطین مغول به عنوان عناصر غیر بومی و غیر ایرانی (همچون سلاطین سلجوقی) نیازمند کسب مشروعيت و استحکام موضع خود بودند، به نظر می‌رسد با وجود تشرف آنها به اسلام، نبود نهاد دینی در غیاب دستگاه خلافت عباسی که آنها را به رسمیت بشناسد راه را بر وارد آوردن اتهام نامشروع بودن از سوی ممالیک مصر به عنوان تنها مدعی حکومت مشروع دینی در جهان اسلامی که پذیرای فرزند آخرین خلیفه عباسی

نیز بودند، هموار می‌کرد (رجب زاده، هاشم، آین کشورداری در عهد رشید الدین فضل الله، ۶۶) از همان ابتدا راهکارهایی از جمله "تاكید بر وحدت ملی" و ارادت ایلخانان به مذهب تشیع را مورد توجه قرار دادند. (همو، ۶۹) با وجود پای بندی خواجہ رشیدالدین فضل الله به مذهب تسنن و فقه شافعی، به نظر می‌رسد رویکرد اصلی خواجہ رشیدالدین در اهتمام اصرار بر مذهب شافعی برخاسته از شرایط سیاسی- مذهبی زمانه او بوده باشد؛ ضربه‌ی سهمناک مغولان بر پیکره‌ی مذهب سنت از یک سو و اقبال و توجه ایلخانان به مذهب تشیع از سوی دیگر؛ نیز مناقشات درازمدت میان حنفیان و شافعیان<sup>۱</sup> او را بر آن داشت تا با احیای آموزش رسمی مذهب شافعی خود آگاهی سنتیان ایران به ویژه شافعیان را نسبت به جایگاه خویش در قلمرو اسلامی در شرایط جدید ارتقا بخشد؛ وی دیدگاهی را ارائه داد که در عین حال متضمن مشروعيت بخشی به سلطنت ایلخانیان بود و دولت ممالیک را نامشروع اعلام می‌کرد. (همو، ۹۱)

کار دارالمصاحف ربع در نسخه برداری از قرآن و جامع الاصول و هم چنین مصنفات رشید الدین با عنوان «جامع التصانیف رشیدی» (رجب زاده، ۳۵؛ همدانی و قفتانه، ۲۳۷) که توسط شاگردان و مدرسان ربع در غیاب منصب خلافت، مرجع دینی مقبول مردم، انجام می‌شد مهر تاییدی بر گفتار و عقاید خواجہ و مشروعيت ایلخانان مغول محسوب می‌شد و تعامل مثبت دستگاه سلطنت و علماء را بر پایه تفسیر خواجہ از "دین و دولت" در بی داشت. در نظرگاه رشید الدین فضل الله ایلخان ایران "پادشاه اسلام" و حافظ قلمرو دین بودند، هم چنان که حکومت دنیا را نیز در دست داشتند. این تعبیر رشید الدین از پایگاه دینی سلطان ایران با تعبیر نظام الملک درباره پادشاه سلجوقی همسوی داشت.

### شیوه‌ی تدریس در نظامیه

تدریس در اوقات معین و با تشریفات خاص خود برگزار می‌شد. شیوه‌ی تدریس در نظامیه بر اساس روش "القا" و "وعظ" انجام می‌گرفت که در آن مدرس لباس ویژه‌ای

۱- در زمان اولجایتو، گرویدن ایلخان به مذهبی شیعه درگاه او را صحنه مبارزه میان حنفیان، شافعیان و پیروان تشیع ساخت، اولجایتو در خراسان و میان حنفیان بزرگ شده بود و خواجہ برای این که خاطر او را مکدر نکند مخالف ظاهر نکرده و نظام الدین مراغه‌ای را برای تغییر عقیده ایلخان به فقه شافعی ملازم وی گردانید اما دشمنی ایلخان با ممالیک و تلاش شیعیان سبب تشرف او به مذهب امامیه گردید. (رجب زاده، همان، ص ۶۶/۷)

به نام "طرحه" بر تن می‌کرد و با جلوس کرسی مدرسی تدریس می‌کرد. (کسایی، ۱۳۱) و هنگام تدریس، دو معید گفته‌های او را برای طلاب تکرار می‌کردند در صورت دسترسی نداشتن به مدرسی شایسته نایب برای تدریس دعوت می‌شد. (کسایی، ۷۶) مجالس وعظ و سخنرانی‌های مذهبی که در حقیقت برای تهییج افکار مذهبی مردم تشکیل می‌شد، تاثیر مهم و شگرفی داشت و خواجه نظام الملک با آگاهی از این امر، از این مجالس برای ایجاد وحدت عقیدتی مورد نظر خویش استفاده می‌کرد و وجودشان را چنان الزامی می‌شمرد که آن را یکی از شروط وقف نامه قرار داده بود. (ابن جوزی، ۶۶) یکی از ویژگی‌های مدارس نظامیه کرسی تدریس برای استادان بود، تا پیش از این استاد و طلاب به صورت مکتب خانه‌ای، در یک سطح و دور یک دایره‌ی فرضی می‌نشستند، اما در مدارس نظامیه ازدحام طلاب باعث شد تا برای استاد کرسی بلندی در نظر گیرند و شاگردان روبروی او بنشینند و معیدان در دو طرف استاد سخنرانی را تکرار می‌کنند. این شیوه تدریس یکی از نوآوری‌های خواجه بود که نشان از ترفع مقام استادان و افزایش منزلت آنها در ساختار آموزشی داشت و از طرفی سبب افزایش کمی و کیفی در نظام آموزشی می‌شد. زبان تدریس در نظامیه‌ی بغداد با وجود تسلط برخی از استادان به زبان‌های دیگر، به صورت تخلیف ناپذیری فقط زبان عربی بود. (کسایی، ۱۳۲)

### شیوه‌ی تدریس در ربع رشیدی

شیوه‌ی تدریس در ربع رشیدی تلفیقی از روش "القا" و آموزش "عملی" بود. به این صورت که در بخش مدرسه عالی علوم دینی به سبک مدارس نظامیه روش تدریس استاد و تکرار معید معمول بود، اما در مدرسه عالی طب از آنجا که محل آموزش در کنار مکان مدواوی بیماران قرار داشت، دانشجویان هم‌زمان با آموزش تئوری طب در دارالشفا آموزش عملی نیز می‌دیدند. (همدانی، وقف نامه، ۱۴۶)

### امکانات آموزشی و کتابخانه در نظامیه بغداد

توجه به کتاب و کتاب خوانی امری است که در فرهنگ ایرانی-اسلامی از دیرباز مرد توجه بوده است، از این رو حکومت‌ها بیش و پیش از توجه به مراکز آموزشی در پی

ایجاد کتابخانه‌های بزرگ بودند. کتابخانه‌های وابسته به حکومت‌های وقت پیشتر از مدارس عالی شکل گرفتند. نخستین گام‌ها در ایجاد کتابخانه‌های تخصصی در نیمه دوم قرن پنجم هجری و با احداث کتابخانه در مدارس نظامیه برداشته شد. نظامیه بغداد دارای کتابخانه‌ای غنی برای استفاده استادان و دانشجویان بود و توسط خازن دارالکتب یا مسؤول کتابخانه و منشی اداره می‌شد. خازن و منشی وظیفه نسخه برداری از کتاب‌ها را نیز بر عهده داشتند. در فهرست نسخ خطی کتابخانه دانشگاه تهران از کتابی یاد شده که انتهای آن به وسیله‌ی منشی کتابخانه نظامیه امضا شده است. (کسایی، ۱۸۱)

### امکانات آموزشی در ربع رشیدی

ربع رشیدی نیز دارای کتابخانه‌ای بود که شیوه‌ی کار آن با کتابخانه‌های امروزی شباهت بسیاری داشت. این کتابخانه در گنبد ربع رشیدی قرار گرفته و در دو سوی چپ و راست دارای دو و سه بخش بود. بخشی از کتابخانه به نگهداری نسخ نفیس قرآن و کتب ارزشمند، کتاب‌های معقولات و بخش سوم کتابخانه به کتب نقلي اختصاص یافته بود. (همدانی، وقف نامه، ۱۹۷) در کتابخانه یک خازن و یک مناول<sup>۱</sup> که هر یک فردی عاقل، نویسنده و متبحر در شناخت کتاب بودند، به کار گمارده می‌شدند. کلید کتابخانه با تایید مشرف، متولی و ناظر در اختیار خازن بود. فهرستی از کتاب‌ها تهیه می‌شد که هر کدام از امنای ربع یک نسخه از آن را در اختیار داشتند و نسخه‌ای از آن در کتابخانه در خریطه‌ای قرار می‌گرفت.

کتاب تنها در شرایطی امانت داده می‌شد که گیرنده کتاب، مبلغی برابر با ارزش کتاب را در رهن کتابخانه قرار دهد. مدت امانت یک ماه بود و گیرنده نمی‌توانست کتاب را از شهر خارج سازد؛ بدین منظور مهرهایی تعییه شده بود که کتاب‌ها را بدان ممهور می‌گردند. (همدانی، وقف نامه، ۱۵۰)

وصیت خواجه به مولانا صدرالدین سند معتبری از تعداد کتاب‌های این کتابخانه است؛ در این وصیت نامه خواجه رشید الدین از هزار مصحف که در گنبد ربع قرار داشت، یاد می‌کند که شامل چهارصد مجلد به خط طلا، ده مجلد به خط یاقوت، دو

۱- مناول: در اصطلاح کتاب دارای قدیم؛ کتاب دهنده. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ص ۷۳۷۵.

مجلد به خط ابن مقله، بیست مجلد به خط احمد سهروردی، بیست کتاب به خط اکابر و پانصد و چهل و هشت مجلد به سایر خطوط بود، همچنین شصت هزار مجلد کتاب در انواع علوم، تاریخ، امثال و... در این مجموعه جای داشت که همه در وقف ربع رشیدی بود. (همو، ۲۳۶) از مندرجات وقفات چنین برمی‌آید که مجموعه مصنفات خواجه هر ساله در دارالماضی ربع رشیدی نسخه برداری می‌شد، نسخهای از آن‌ها در کتابخانه نگهداری و نسخه‌های دیگر به کتابخانه‌های بلاد اسلامی فرستاده می‌شد. (همو، ۲۳۷) این کتابخانه عظیم در عین حال که بسیار منحصر به فرد بود، مجموعه‌ای ارزشمند از کتاب‌های سایر بلاد مانند روم، مصر، چین، هند و... را نیز گردآورده بود.

### امکانات رفاهی نظامیه بغداد

استادان در نظامیه از محل اسکان و حقوق و مزایای کافی برخوردار بودند و خواجه بر این امر تاکید بسیار داشت و غرفه‌هایی به متظور اقامت استادان و دانشجویان در مدرسه در نظر گرفته بود. (بنداری، ۶۵) و به متظور تأمین مخارج زندگی استادان و دانشجویان، اموالی را در بغداد وقف کرده بود. رسیدگی به امور معیشتی استادان به این شکل تا آن زمان در مراکز آموزشی سابقه نداشت و این امتیازی بود که به ابتکار خواجه نظام الملک در مدارس نظامیه معمول شد. مدرسان در رفت و آمد آزاد بودند، ولی تجرد استاد، شرط سکونتش در مدرسه بود، در غیر این صورت در شهر ساکن می‌شد. برای طلاب نیز در مدارس نظامیه برای نخستین بار کمک‌های مالی به دانشجویان وسائل معیشت و تحصیل و اقامت آنها در نظر گرفته شد. (کانپوری، عبدالرزاقد، ۱۴۶)

### امکانات رفاهی در ربع رشیدی

در ربع روند آموزش فارغ از ملاحظات دینی و مذهبی، بر علم آموزی استوار بود، از این رو تمام امکانات این مجموعه در خدمت این هدف قرار می‌گرفت. متأسفانه، در متن وقف نامه، سطرهایی از قسمت مربوط به قوانین و شرایط سکونت مدرسان می‌پردازد، افتادگی دارد (همدانی، وقف نامه، ۱۷۷) ولی با توجه به نحوه مدیریت خواجه بر امور ربع برای تمام افراد شاغل در ربع محل سکونت در نظر گرفته شده بود، مدرسان مجرد در

بخش روضه و در حجره‌های ویژه استادان و شهرستان رشیدی و محله صالحیه، محل سکونت کارکنان ربع رشیدی و خانواده‌های آنان بود. (همو، ۱۷۲) افراد تنها در موقع ضروری و با اجازه‌ی متولی، حق خروج از ربع و تردد در شهر و روستاها را داشتند. (همو، ۱۷۳) از آنجا که این شرط برای کارکنان متأهل وجود نداشت به نظر می‌رسد که دلیل وضع آن، جلوگیری از فساد و اتلاف وقت دانشجویان واستاید مجرد و راهیابی آن به داخل ربع بوده باشد. (همو، همان جا)

با صلاح‌دید متولی، (همو، ۱۷۴) برای مدرس تفسیر و دوازده شاگرد او حجره‌هایی در روضه در نظر گرفته می‌شد، شاگردان طب نیز در حجره‌هایی واقع در قسمت فوقانی داروخانه زندگی می‌کردند. شاگردان بیت التعلیم نیز در محله‌ی صالحیه ساکن بودند. (همو، ۱۹۰)

## تأثیر برنامه‌های اداری بر عملکرد آموزشی

### ۱- نظامیه بغداد

منابع مکتوب جامعی درباره‌ی نحوه‌ی اداره‌ی نظامیه‌ها وجود ندارد، اما اطلاعات یراکنده ماخوذ از منابع مختلف، بیانگر آن است که در بخش اداری نظامیه، متولیان، بازرسان، نگاهبانان، خدمتکاران و دربخش آموزشی استادان، نایبان، معیدان، مفتیان، کتابداران و دانشجویان حضور داشتند. (کسایی، ۱۲۱)

خواجه نظام الملک در ساخت مدارس نظامیه توجه وافری به امور مالی و صرف هزینه‌ها داشت، از این رو ابوسعید احمدبن محمد نیشابوری صوفی را به عنوان معتمد خویش تعیین کرد و بسیار مراقب بود تا سریرستان، در اداره و ساخت مدارس راه خلاف در پیش نگیرند. (نحویانی، ۲۷۰) به دستور خواجه حمام‌ها، املاک، دکان‌ها و کاروانسراهایی در اطراف مدرسه احداث شد تا هزینه‌ی اداره‌ی مدرسه از این محل تأمین شود. موقوفات و اموال مدرسه ثبت و ضوابطی برای استفاده از آنها تعیین شده بود؛ بخش قابل توجهی از این اموال به پیروان مذهب شافعی اختصاص می‌یافت. (ابن جوزی، ۸۶۹)

نظام الملک خود به طور غیر مستقیم بر اداره‌ی مدرسه نظارت داشت و پرسش موید الملک، به نیابت از او عهده دار اداره امور بود. این روند پس از حیات خواجه نیز با واگذاری تولیت مدرسه به فرزندان او ادامه یافت. (کسایی، ۱۱۷)

جایگاه مدرسه‌ی نظامیه در مرکز خلافت عباسی، ماهیتی سیاسی نیز بدان می‌بخشید و آن را در معرض دخالت سیاستمداران و نهاد قدرت قرار می‌داد. در «فضائل الانام» نامه‌ای از ضیاء الملک احمد بن نظام الملک وزیر عراق به صدرالدین محمد بن فخرالملک وزیر سلطان سنجر سلجوقی آمده است که متضمن دعوت از ابوحامد محمد غزالی برای قبول تدریس در مدرسه‌ی نظامیه بغداد است، (غزالی، ابوحامد محمد، مکاتب فارسی غزالی، ۳۹) هم چنین ناصرالدین خلیفه عباسی طی فرمانی ابن فضلان را به تدریس در نظامیه بغداد گماشت. (کسایی، ۲۶۶)

یکی از اقدامات درخور توجه خواجه نظام الملک در اداره نظامیه‌ها گماردن بازرگانی جهت بررسی و گزارش عملکرد مدرسان و دانشجویان بود که به نظر می‌رسد هر چند تأثیر به سزاگیری در روند آموزشی و سهولت اداره‌ی نظامیه‌ها داشت، اما اقدام سریع و شتاب زده را در بی نداشت بلکه پس از بررسی صحت گزارش‌ها درباره آنها اقدام می‌شد. در «تجارب السلف» آمده است هنگامی که دربانان بر اساس وظایف خود، درباره اعمال خازن دارالكتب به خواجه گزارش دادند، نظام الملک ابتدا در این باره تحقیق و تفحص کرد و سپس به سامان آن پرداخت. (نحوی، هندوشا، ۲۷۰)

هر چند در مدارس نظامیه، سلسله مراتب اداری و آموزشی مانند متولی، بازرگان‌واقف، خدمه‌ی مدارس و کارکنان آموزشی (کسایی، ۱۲۱) وجود داشت، ولی متولی که از میان خاندان یا فرزندان نظام الملک انتخاب می‌شد، در نزدیکی مدرسه سکنی می‌گزید. (این اثیر، ۷۴/۱۷) و مکان خاصی در داخل مدرسه برای او منظور نشده بود. این وضعیت مانع از حضور و نظارت پیوسته وی در مدرسه بود و در شرایط اضطراری امکان تصمیم گیری سریع را سلب می‌کرد.

## ۲- ربع رشیدی

بر خلاف مدارس نظامیه، شرح کاملی از نحوه عملکرد مجموعه ربع رشیدی در «وقفنامه» و «مکاتبات» خواجه رشیدالدین آمده است. این مجموعه به صورت یک محله

یا به قول حمدالله مستوفی «شهرچه» (مستوفی، حمدالله، ۱۲۳) در سه بخش طراحی شده بود: ربع، ربع و شهرستان که این سه قسمت به ملکی رشیدیه یا رشید آباد معروف بود.

مسئولیت اصلی ربع به صلاحديد خواجه، به صورت مشترک بر عهده متولی، مشرف و ناظر بود و خواجه به هنگام حیات، تولیت ربع را خود بر عهده داشت و پس از او به هیات سه نفره‌ای واگذار شد. پسر ارشد متولی و پسر دوم او مقام مشرف را بر عهده داشتند. متولی، مسؤول اولیه و اصلی تمام امور بود و همه‌ی مسایل با صلاحديد او انجام می‌گرفت. ناظر که به نظر می‌رسد یکی دیگر از فرزندان او بود، مانند نیابت متولی عمل می‌کرد. متولی درباره‌ی موقوفات، وظایفی بر عهده داشت، می‌باشد هر سال به امور موقوفات رسیدگی کند و حاصل آنها را گرد آورد؛ مختار بود که موقوفات را برای مدت سه سال اجاره دهد و درآمد حاصل از آن را پس از کسر هزینه‌ها و پرداخت مالیات، با حضور مشرف و ناظر، در امور مربوط به ربع هزینه کند. از این رو خواجه برای کسانی که عهده‌دار این مناصب می‌شدند، شرایطی در نظر گرفته بود: «شرط آنست که این عمال اهل کفايت باشند و تارک تمامی مسکرات، و باید که این معنی نزد حاکم شريعت به ثبوت رسانند...» (حمدانی، وقناة، ۱۲۱) به بیان دیگر به افرادی که متصدی این امور بودند، بسیار سخت گیری می‌شد و قاضی شهر نیز باید صلاحیت اخلاقی و عملی آنان را تأیید می‌کرد.

ربض رشیدی بخشی دیگر از این مجموعه بود که خاندان خواجه و غلامان خاصه‌اش در آن ساکن بودند. مسکن متولی و مشرف و ناظر که از میان خانواده خواجه انتخاب می‌شدند در این قسمت قرار داشت. (همو، ۱۷۵)

یکی دیگر از برنامه‌ریزی‌های خواجه، برآورد هزینه‌های هر قسمت و اختصاص بخشی از درآمد بدان‌ها بود. حقوق کارمندان و ملازمان مشخص بود. خواجه در استفاده از وسایل رفاهی خاص کارکنان برنامه‌ای داشت که در عین صرفه‌جویی کامل، رفاه آنان نیز تأمین شود. صرفه‌جویی، برنامه همیشگی خواجه در اداره‌ی ربع رشیدی بود، به طوری که او برنامه‌های سمعای را به گونه‌ای ترتیب می‌داد که در همزمانی با اعیاد، در مقدار شمع و قندیل مصرفی، صرفه‌جویی شود و هنگامی که بر تعداد جمعیت شرکت کننده

در مراسم افزوده می‌شد به همان میزان، آشپزخانه دستور می‌داد که غذا را نیز افزایش دهنند. (همو، ۱۶۶)

## نتیجه

نظام آموزشی منحصر به فردی که توسط خواجه رشید الدین در دوره‌ی ایلخانی به اجرا درآمد تفاوت‌ها و شباهت‌های آشکاری با نظامیه بغداد داشت که به آنها اشاره می‌شود:

## مشترکات نظامیه و ربع رشیدی

۱- هر دو مرکز توسط دو تن از وزرای بزرگ ایرانی مسلمان تأسیس شد. شکل گیری مدارس نظامیه را بازتابی از حضور پر رنگ عنصر ایرانی در عرصه تعلیم و تربیت دانست که پس از تهاجم مغول با تاسیس مجموعه‌هایی چون ربع رشیدی به رغم فترتی گذرا، در قامتی به مراتب شکوهمندتر و مستحکم‌تر در فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی تداوم یافت.

۲- اهداف تأسیس هر دو مدرسه منبعث از شرایط سیاسی و مذهبی زمانه بود. زمام دارانی که از اقوام مستقر در خارج قلمرو اسلامی برآمده بودند و در پی تکیه بر مسند رهبری جامعه اسلامی یا بعض ایران را در سر می‌پروراندند، برای کسب مشروعيت و تحکیم موقعیت نیازمند تایید از سوی مرجعی رسمی و یا مورد پذیرش مردم بودند. یکی از راهکارهای دستیابی به این مهم تأسیس مدارس دولتی بود، که نه تنها پس از تهاجم مغول متوقف نشد بلکه با استقبال ایلخانان رو به گسترش نهاد.

همانطور که در ذکر علل ایجاد این مدارس بیان شد در ربع رشیدی استنساخ از تأییفات خواجه رشید الدین که حاوی دیدگاه‌های وی پیرامون "جایگاه ایلخانان در رهبری" بود و توزیع آنها در سایر بلاد اسلامی، و در نظامیه تربیت دیوان سلامان وابسته به دستگاه سلجوکی گویای این مهم است. این امر هر چند مواهبی چون توجه خاص دستگاه سیاسی را در بی داشت ولی سبب تأثیرپذیری جوانب علمی از جوانب غیر علمی مدارس، کاهش سطح توجه به علم آموزی و پیشرفت در چارچوب و راستای

علوم پذیرفته شده دستگاه دولتی می‌شد، که این امر به ویژه در نظامیه بغداد به مراتب بیشتر مشهود است.

۳- یکی دیگر از وجود مشترک هر دو مدرسه تأکید بر فقه شافعی است. این امر محدودیتی مجدد و افزون بر ساختار دولتی این مدارس بود که مهم ترین پیامد آن توجه به علوم خاص و ترویج فقه شافعی بود و بر ترکیب دروس، انتخاب استادی و دانشجویان تأثیر می‌گذاشت. همان طور که در وقف نامه‌ی هر دو مرکز علمی صریحاً بیان شده تدریس احکام، فقه، اصول، مبانی و تفسیر فقه شافعی از الزامات بود. این امر در هر دو مدرسه به ویژه نظامیه بغداد سبب محدودیت دروس ارائه شده و کاهش توجه به علومی که با دیدگاه فقه شافعی در تضاد بودند می‌شود. نمونه‌ی بارز این رویکرد را می‌توان در مخالفت روش بنیان گذاران هر دو مدرسه به تدریس و کنکاش پیرامون فلسفه یافت که به نظر می‌رسد استمرار ممنوعیت تدریس و آموزش فلسفه در دو دوره‌ی سلجوقی ایلخانی (با توجه به تبود منصب خلافت در دوره‌ی ایلخانان) بیانگر استحکام زیر ساخت‌های جامعه سنت گرا و استمرار اندیشه سیاسی- مذهبی متناظر با آن است. ربع رشیدی هر چند رد ظاهر مجموعه‌ای می‌نماید که به روی بیشتر علوم و گاه مدرسان ادیان و مذاهب دیگر باز است ولی وجود شروطی چون ممنوعیت حضور غلامان و کارکنان غیر مسلمان ذر محله‌ی صلاحیه و استفاده نکردن از مدرسان سایر مذاهب در بخش علوم نظری خود نشانه‌ای بر سلطه‌ی جوانب مذهب گرایانه در این مدرسه است، خصیصه‌ای که در نظامیه‌ها نیز آشکارا و به وضوح دیده می‌شود.

۴- توجه به حقوق اساتید و در نظر گرفتن مزایا، دستمزد، مسکن از جمله وجود نوآورانه نظامیه‌ها محسوب می‌شود. نگرش مدارس نظامیه به جایگاه عالман و رفع حواچ مادی آنها، سبب افزایش نفوذ این طبقه نزد مردم و خلفا و سرمشقی برای مدارس و مراکز علمی پس از آن شد که شکل پیشرفت و سازمان یافته آن در ربع رشیدی مشاهده می‌شود.

۵- منابع درآمدی این مدارس نیز قابل توجه است. هر دو مدرسه از طریق عایدات حاصل از موقوفات اداره می‌شند و از منبع درآمد دولتی تعریف شده و رسمی برخوردار نبودند. با وجود آن که در دوره‌ی سلجوقی به منظور افزایش مقام و موقعیت و عایدات سلطان، بیشتر منابع درآمدی دولتی شدند و در دوره‌ی حکومت ایلخانان نیز ساختار

قبیله‌ای مغولان دست اندازی آنها بر املاک و عایدات و رواج اقطاعات را سبب شد ولی همگرایی وقف و نهادهای آموزشی استمرار یافت و موقوفات یکی از مهمترین منابع درآمد مدارس به شمار می‌آمد.

### تفاوت‌ها

۱- ربع رشیدی به عنوان یک مجموعه متمرکز و وسیع دارای زیر بخش‌های متعدد بود و خواجه رشید الدین در اداره‌ی آن، سیاستی واجد چون سیاست اداره یک شهر را در پیش می‌گرفت؛ اما نظامیه‌ها در شهرهای مختلف پراکنده بودند و خواجه نظام الملک ضمن ارائه برنامه‌ای کلی در اداره‌ی نظامیه‌ها، باید با توجه به شرایط سیاسی و محیطی هر مدرسه در شهرهای مختلف، به تبیین راهکارهای فرعی برای اداره آنها نیز می‌پرداخت. وجود این ویژگی در مدارس نظامیه، نه تنها وحدت سیاست اداره‌ی آنها را خدشه‌دار می‌کرد، بلکه سبب تفاوت در سطح کارکرد آنها نیز می‌شد.

۲- به نظر می‌رسد هر چند ربع رشیدی در شهر تبریز قرار داشت ولی ساختار شهر گون، این مجموعه را از سایر قسمت‌های شهر تبریز جدا می‌کرد و ارتباط ساکنان آن با مردم معمولی را محدود می‌ساخت. در حالیکه هر چند ساختار نظامیه بغداد ساده‌تر بود ولی کارکنان محدودیتی در ارتباط با سایر مردم نداشتند و این ویژگی از سویی مزیت و از سویی کاستی این دو مجموعه به شمار می‌آید. ارتباط ساکنان نظامیه‌ها با مردم شهر تأثیرپذیری و در نتیجه آگاهی از شرایط زمانه را فراهم می‌آورد و در ربع رشیدی باعث دور شدن ساکنان ربع از جریان عادی زندگی مردم می‌شد، از سوی دیگر استقلال ربع رشیدی، ساکنان آن را از رفت و آمد بی‌مورد به شهر و مشغولیت به امور زائد باز می‌داشت و از این طریق سطح و کارآیی آموزشی آن را بالا می‌برد که نظامیه‌ها قادر این ویژگی بودند.

۳- عمدۀ تفاوت این دو مرکز در نوع دروس ارائه شده و مقاطع تحصیلی و مدت تحصیل در آن است. هر چند در بخش علوم نظری تشابهات بسیار داشتند ولی تدریس و آموزش طب و علوم ریاضی یکی از مزایایی است که سند محکمی مبنی بر وجود آن در مدارس نظامیه وجود ندارد. نظامیه‌ها صرفاً مدارس دینی برای آموزش عقاید فقه

شافعی در سطح عالی برای بزرگسالان بودند، ولی ربع رشیدی مجموعه‌ای بود که بخشی نیز برای آموزش عقاید فقه شافعی در سطح عالی برای بزرگسالان بودند، ولی ربع رشیدی مجموعه‌ای بود که بخشی نیز برای آموزش ابتدایی به کودکان و آموزش صنایع به خدمت کاران و غلامان در آن گنجانده شده بود. در طول مدت تحصیل نیز در ربع و نظامیه نیز تفاوت آشکاری وجود داشت، این مزیت و تفاوت آشکار که در هیچ یک از مدارس دولتی پیش از ربع مشاهده نمی‌شود نشان از تغییر و پیشرفت در ساختار کمی نهاد تعلیم و تربیت پس از تهاجم مغول دارد.

۴- چگونگی اداره‌ی این دو مرکز نیز محل توجه است. نظامیه‌ی بغداد هر چند تا زمان حیات نظام الملک زیر نظر مستقیم او بود ولی پس از آن موارد بسیاری مبنی بر دخالت خلفا و سلاطین در امور آن گزارش شده است. اما ساختار گسترده‌تر و از پیش تعریف شده سلسله مراتب اداری در ربع، مانع از پراکندگی آرا در اداره‌ی آن می‌شد و این مزیتی بود که افزایش سطح کارکرد ربع رشیدی را نسبت به نظامیه‌ی بغداد در پی داشت.

مرکز تحقیقات کاپیتویر علوم اسلامی

## فهرست منابع و مآخذ:

۱. آقازاده، احمد، آموزش و پژوهش تطبیقی، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
۲. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، علی هاشمی حائری، تهران: علمی.
۳. ابن جوزی، ابی الفرج عبدالرحمن بن علی، المستظم فی تاریخ الملوك و الامم، حیدرآباد: دایرة المعارف عثمانی، ۱۳۵۹.
۴. ابن خلکان، احمدبن محمد، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، عبدالحمید، مصحح: محمد معی الدین، مصر: مکتبة النہضة المصریہ، بی تا.
۵. ابن نظام عقیلی، سیف الدین حاجی، آثار الوزرا، تصحیح: میر جلال الدین حسینی ارمومی، تهران: محدث، ۱۳۷۷.
۶. ابوحامد محمد غزالی، مکاتیب فارسی غزالی (فضائل الانام من رسائل حجت الاسلام الاسلام)، تحقیق: عباس اقبال، تهران: ابن سینا، ۱۳۳۳.
۷. اشپولر، برتوولد، تاریخ مغول، ترجمه: محمود میر آفتاب، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۸. اقبال، عباس، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، تهران: ۱۳۲۸.
۹. امیدیانی، سید حسین، «ربع رشیدی؛ مجتمع بزرگ، علمی و آموزشی در تبریز»، فصلنامه‌ی میراث جاودیان، سال ۷، شماره‌ی ۷۷، پاییز ۱۳۷۸.
۱۰. بندری، اصفهانی، تاریخ سلسله سلجوقی، محمد حسین جلیلی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.
۱۱. بیهقی، علی بن زید، تاریخ بیهق، مصحح، بهمنیار، احمد، تهران: دانش، ۱۳۱۷.
۱۲. تقیوی، هدیه، «عباسیان و فاطمیان»، فصلنامه تاریخ اسلام، تابستان ۱۳۸۵، سال هفتم، شماره‌ی ۲۶.
۱۳. توosi، خواجه نظام الملک، سیر الملوك، هیوپرت دارک، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰.
۱۴. جمعی از نزدیکان خواجه رشید الدین، فضائل الانام، تحقیق: عباس اقبال، تهران: ابن سینا، ۱۳۳۳.
۱۵. حافظ ابرو، شهاب الدین، ذیل جامع التواریخ، بخش نخست، تصحیح: خانبابا بیانی، تهران: علمی، ۱۳۱۷.
۱۶. خزانی، علیرضا، کنگره طرح احیای ربع رشیدی و فرهنگ و تمدن ایران عصر ایلخانی، دانشگاه تبریز، خلاصه مقالات، تهران: ستوده، ۱۳۸۴.
۱۷. دایرة المعارف الإسلامية.
۱۸. دانشنامه جهان اسلام.
۱۹. دایرة المعارف فارسی مصاحب.
۲۰. راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، تصحیح: محمد اقبال، تهران: علمی، ۱۳۶۳.
۲۱. سمرقندی، دولتشاه، تذکرة الشعرا، تصحیح: ادوار دبراون، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲.
۲۲. سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، مطلع سعدین و مجمع بحرین، عبدالحسین نوابی، ۲ ج در ۴ دفتر، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
۲۳. غنیمۀ، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاههای بزرگ اسلامی، نورالله کسایی، تهران: یزدان، ۱۳۶۴.

- .۲۴ فرهنگ بزرگ سخن.
- .۲۵ کانپوری، عبدالرزاق، زندگانی خواجه بزرگ حسن نظام الملک، مصطفی طباطبایی، تهران: مجله هور، ۱۳۵۰.
- .۲۶ کسانی، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.
- .۲۷ لغت نامه دهخدا، تهران: موسسه لغت نامه دهخدا، ۱۲۵۸ - ۱۳۳۴.
- .۲۸ مجموعه خطابهای تحقیقی درباره رشید الدین فضل الله همدانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰.
- .۲۹ مستوفی، حمدالله، نزهه القلوب، تصحیح: سید محمد دبیر سیاقي، قزوین: طه، ۱۳۷۸.
- .۳۰ مقدسی، احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، علینقی منزوی، تهران: بنگاه نشر و ترجمه ایران، بی‌تا.
- .۳۱ نخجوانی، هندشاه، تجارب السلف، عباس اقبال، تهران: طهوری، ۱۳۲۴.
- .۳۲ نصر، سید حسین، علم و تمدن در اسلام، احمد آرام، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- .۳۳ نیشابوری، ظهیر الدین، سلجوقنامه، کلاله خاور، ۱۳۳۲.
- .۳۴ همدانی، خواجه رشید الدین فضل الله، جامع التواریخ (قسمت اسماعیلیان و فاطمیان...) به کوشش: محمد تقی دانش پژوه، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۳۸.
- .۳۵ ———، مکاتبات رشیدی، تصحیح: محمد شفیع، چاپ: پنجاب ایجوکیشنل پیرس لاهور، ۱۳۶۴.
- .۳۶ ———، وقفات ربع رشیدی، چاپ حروفی، به کوشش: مجتبی مینوی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۶.
- .۳۷ ———، وقفات ربع رشیدی، چاپ عکسی از روی نسخه اصل، زیر نظر مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰.
- .۳۸ ———، سوانح الاقوام، تصحیح: محمد تقی دانش پژوه، تهران: دانشگاه تهران.
- .۳۹ یعقوبی، ابن واضح، البلدان، تصحیح: محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.

